روزنامه صبح
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی
توسعه ایرانی

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا
مدیر مسئول: مسعود حیدری
زیر نظر شورای سردبیری
مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲
تلفن تحریریه: ۶۶۹۵۶۶۰۰(۰۲۱)
toseeirani.ir

سر پل ذهاب، سرزمینی کهن است

گاوری؛ تاریخی و ایستاده در مرز

یگاه دهدار، راهنمای گردشگری

نام شهرستان سر پل ذهاب را پیش از زلزله شاید کم‌تر کسی شنیده بود. اما واقعیت این است که این شهرستان از قدمت بسیار بالایی برخوردار است و جاذبه‌های گردشگری باارزش فراوانی دارد. چندی پیش رسانه‌ها از کشف دیواری تاریخی در این شهرستان خبر دادند و بر سر زبان‌ها افتاد. به همین مناسبت به سراغ این شهرستان رفته‌ایم...

دیوار سر پل ذهاب یا گاوری بقایای دیواری تاریخی در سر پل ذهاب استان کرمانشاه است که در کوهپایه‌های غربی زاگرس جای دارد.

دیوارهای باستانی باقی‌مانده در مرزها داستان‌های فراوانی از دل تاریخ با خود به همراه دارند و نظاره‌گر وقایع تاریخی مختلفی در طی زمان بوده‌اند. دیوار سر پل ذهاب کرمانشاه نمونه‌ای از آن‌هاست که برفراز کوه‌های غربی سر پل ذهاب در کوهپایه‌های غربی زاگرس و در مرز ایران و عراق همچنان پابرجای ایستاده است. این دیوار از کوه‌های بمو در منطقه ثلاث باباجانی شروع و تا روستای ژاومرگ در گیلان غرب ادامه دارد.

دیوار تاریخی سر پل ذهاب که در زبان محلی به آن گاوری می‌گویند، به طول حدود ۱۱۵ کیلومتر در امتداد مرز بین ایران و عراق در کوهپایه‌های غربی زاگرس قرار دارد. این دیوار در طول زمان دچار آسیب و تخریب شده و امکان اندازه‌گیری دقیق آن ممکن نیست ولی احتمال می‌رود عرض آن حدود چهار متر و ارتفاع آن سه متر بوده است. در امتداد دیوار بقایای سازه‌هایی مشاهده می‌شود که ویرانه‌های برج‌ها و ساختمان‌های مرتبط با آن است. گاوری از مواد و مصالح محلی ساخته شده و در ساخت آن تخته‌سنگ‌ها و در قسمت‌های نیز ملات گچ به کار رفته است.

در برخی از متون و منابع تاریخی مربوط به زمان صفویان به دیوار گاوری اشاره شده است. در سال ۱۶۳۹ میلادی پیمان ذهاب یا عهدنامه قصرشیرین برای پایان دادن به جنگ‌ها و اختلافات مرزی بین دو دولت صفوی و عثمانی بسته می‌شود و براساس این عهدنامه، دیوار سر پل ذهاب مرز بین این دولت‌ها تعیین می‌شود. در قرارداد ۱۸۴۷ میلادی که به پیمان ارزروم معروف است نیز نام این دیوار آمده است. در همین زمان فردی به نام مسیو چریکف به‌عنوان نماینده‌ی روسیه برای حل اختلافات مرزی به ایران می‌آید. وی نیز در سیاحت‌نامه‌ی خود از دیوار بین سر پل ذهاب و قصرشیرین سخن گفته است. به دلیل همین اشارات تاریخی گفته می‌شود که زمان ساخت این دیوار به دوره‌ی عثمانی برمی‌گردد؛ اما در منابع متعلق به این زمان به ساخت چنین دیواری اشاره نشده است و نام محلی گاوری که به آن اطلاق می‌شود شاید نشان‌دهنده‌ی آن است که زمان ساخت گاوری به پیش از اسلام می‌رسد.

قدمت دیوار گاوری سر پل ذهاب به‌طور دقیق مشخص نیست. جدیدترین پژوهش‌ها و بررسی‌هایی که باستان‌شناسان در منطقه‌ی سر پل ذهاب انجام دادند، نشان می‌دهد که شاید این دیوار یادگاری از دوران اشکانیان و ساسانیان باشد. برخی از باستان‌شناسان با توجه به قطعات پراکنده‌ی سفال پیدا شده و با در نظر گرفتن اینکه در ساخت این دیوار به نیروی کار، مواد و مصالح و صرف وقت بالایی احتیاج بوده است، زمان ساخت آن را پیش از اسلام می‌دانند. با توجه به پژوهش‌ها و وجود بناهای دفاعی و قلعه‌هایی از دوران امپراطوری‌های اشکانی و ساسانی در محل، احتمال می‌رود دستور ساخت این دیوار را یک پادشاه اشکانی یا ساسانی صادر کرده و ساخت آن توسط فرمانروایی محلی که در قلعه یزدگرد یا یکی از قلعه‌های دیگر حکومت می‌کرد صورت گرفته است. ماهیت دفاعی یا نمادین بودن دیوار نیز مشخص نیست و به مطالعات و پژوهش‌های بیشتری احتیاج است.

دیگر دیدنی‌ها در نزدیکی گاوری

منطقه‌ای که دیوار گاوری قرار دارد از غنای فرهنگی بالایی برخودار است و نقش بسزایی در تاریخ ایران داشته است چنانچه هرتسفلد؛ باستان‌شناس و ایران‌شناس مشهور آلمانی از این منطقه به‌عنوان دروازه‌ی ورود به آسیا نام می‌برد. در کنار بازدید از این دیوار می‌توانید بناهای تاریخی دیگر از جمله نقش برجسته‌ی آنوبانینی، قلعه یزدگرد، گوردخمه‌ی دکان داوود، قلعه گبری و زیج منیژه دیدن کنید.

آنوبانی‌نی

نقش برجسته و کتیبه‌ی آنوبانینی بر صخره‌ای واقع در کوه میان کل (Miyan-kal) در مرکز شهر سر پل ذهاب واقع شده است. شاید بتوان گفت که این نقش برجسته، بعد از نقش برجسته‌ی نرم سین (Naram-sin) قدیمی‌ترین نقش برجسته در ایران است و قدمت آن به ۲۸۰۰ سال پیش از میلاد مسیح برمی‌گردد.

نقش برجسته‌ای که امروز به آنوبانینی معروف است، آنوبانینی پادشاه معروف لولوبی‌ها را نشان می‌دهد. لولوبی‌ها (Lullubi) قومی بودند که در هزاره‌ی سوم پیش از میلاد در نواحی غربی زاگرس و سرزمین‌هایی که بخش عمده‌ی آن هم اکنون در استان سلیمانیه عراق واقع شده، زندگی می‌کردند.

در این نقش، پادشاه لولوبی‌ها با ریشی طویل و مربع، کلاهی مدور، جامه‌ای کوتاه، مسلح به کمان و نوعی تبر ابتدایی دیده می‌شود. او پای خود را بر دشمنی که بر زمین افتاده، نهاده است. در مقابل او رب النوع نی نی (Ninni) با کلاهی بلند و جامه‌ای پشمین و پرزدار و شرابه‌دار که تا پای او می‌رسد، ایستاده. او یک دست را به سوی شاه دراز کرده و در دست دیگر انتهای طنابی را گرفته که در بخش بالایی دو اسیر و در بخش پایینی شش اسیر را به هم بسته و همه‌ی آنها بر هنه‌اند و دست‌هایشان از عقب بسته شده است.

در مجموع در این نقش نه اسیر مشاهده می‌شود. رب‌النوع نی نی همان اینانا یا آناهیتا است. سر پرسی سایکس (Sir Percy Sykes) نام رب‌النوع را بیشتر ذکر می‌کند. میخائیل میخائیلویچ دیاکونوف معتقد است کلاهی که بر سر یکی از اسیران است متعلق به مادی‌های شرق بوده که در هزاره‌ی اول قبل از میلاد زیست می‌کرده‌اند. ارتفاع نقش آنوبانینی از زمین ۱۶ متر است. پدیده‌ی فرسایش طی سال‌های بسیار آن را مخدوش کرده، هر چند بیشترین صدمات را طی جنگ ایران و عراق به خود دیده است.

در پایین و سمت راست نقش برجسته، کتیبه‌ی آنوبانینی قرار دارد که به زبان اکدی حک شده و معنای آن چنین است: "آنوبانینی پادشاه توانای لولوبی نقش خود و الهه‌ی ایشتار را در کوه پاتیر رسم کرده است و آن کس که این لوح را محو کند به نفرین و لعنت آنو، آنوتوم، بل، بلیت، رامان، ایشتار، سین و شمش گرفتار باد و نسل او بر باد رود."

همه قراین دال بر این است که لولوبی‌ها خطی مخصوص به خود نداشته‌اند و آنان کم و بیش تحت نفوذ تمدن بابل بوده‌اند و در اثر تماس مداوم، زبان و خط اکدی را آموخته و به کار می‌برده‌اند.

رومن گیرشمن معتقد است که نقش برجسته‌ی آنوبانینی سهمی عظیم و پایدار در تعریف ایرانیت ایفا می‌کند، به گونه‌ای که طی تاریخ متمادی ایران، بسیاری از پادشاهان به تقلید از آن اقدام کرده و حکاکی‌های بسیاری در مناظر و معابر کاروان‌ها پدید آمدند تا در تاریخ ماندگار شوند.

دکان داوود

گوردخمه‌ها، مکان‌هایی مقدس برای دفن مردگان هستند که در پهنه استان کرمانشاه چندین و چند نمونه از آن‌ها را می‌توان یافت. گوردخمه‌ها روایت‌گر آیین‌های باستانی تدفین هستند و در این میان گوردخمه دکان داوود، یکی از نمونه‌های مهم گوردخمه‌های ایران است.

در سه کیلومتری جنوب شرقی سر پل ذهاب، در ابتدای جاده انزل، گوردخمه‌ای وجود دارد که در میان اهالی محل به «کل داوود» و «دکان داوود» معروف است. این گوردخمه برای «اهل حق» مقدس شناخته می‌شود و پیروان این آیین برای انجام مراسم مذهبی در آن‌جا گردهم می‌آیند. تقدس این گوردخمه به اندازه‌ای است که با پای برهنه روی سنگ‌های دامنه کوه قدم می‌نهند و نذورات خود را تقدیم می‌کنند.

شباهت گوردخمه دکان داوود با نمونه‌های دیگر از جمله «گوردخمه صحنه» در ایوان جلویی آن است. با اینکه پیش‌تر تصور می‌شد که این گوردخمه و نقش برجسته حجاری شده در زیر آن متعلق به دوره ماد باشد، اما نظریه دیگری نیز بیان می‌کند که دکان داوود یادگار دوره هخامنشی است.

معماری گوردخمه‌ها حتی برای کسانی که با معماری سازه‌های تاریخی نیز آشنایی ندارند، جذاب است. اطراف ایوان را قاب‌های تزیین شده احاطه کرده است. همچنین در دو طرف ورودی مقبره، بقایای دو ستون با پایه‌های مربعی به چشم می‌خورد. این ستون‌ها با گذشت زمان فرسوده شده‌اند و تنها پایه‌ها و سر ستون‌های آن باقی مانده است.

از طریق دیوار عقب گوردخمه می‌توان به درون آن راه یافت. این ورودی به اتاقی منتهی می‌شود. چیزی که بر روی دیوارهای این اتاق بیشتر از هر چیزی خودنمایی می‌کند، تاقچه‌هایی است که برای قرار دادن نذورات در دل صخره کنده شده است. قبر بیضی شکلی نیز در سمت چپ اتاق به چشم می‌خورد.

اما بخش شگفت‌انگیز گوردخمه دکان داوود، قابی است که تصویر شخصی که تمام قد ایستاده بر روی آن کنده‌کاری شده است. این شخص لباس بلندی بر تن دارد و کلاه لبه‌داری بر سر گذاشته که قسمت پشت گردن و گوش‌های او را پوشانده است. این پیکره یکی از دست‌هایش را به حالت نیایش بالا برده و در دست دیگرش گیاهی آیینی به نام «برسم» دارد.

این گوردخمه در دل دیواره کوه و در کنار قبرستانی وسیع قرار دارد که از جاده اصلی سر پل ذهاب به کِرند غرب به راحتی قابل تشخصی است.

قلعه‌گیری

در داخل شهر سر پل ذهاب، کنار رود الوند، قلعه‌ای متعلق به ساسانیان وجود دارد که با توجه به گمانه‌زنی‌هایی که در مرداد ۱۳۶۸ ه.خ، توسط هیئت باستان شناسی از این محل به عمل آمد، مشخص گردید که شهر حلوان، در این منطقه بوده و بر اثر زلزله، در زیر خاک مدفون گردیده است. در این محل، دیوارهای سنگی ساختمان و حمام، کاملاً مشخص است. عده‌ای دیگر، بنای این قلعه را، متعلق به دوره اشکانیان می‌دانند و عقیده دارند این قلعه، قبرستان اشکانیان بوده است.

قلعه یزدگرد

«قلعه یزدگرد»، یکی از کهن‌ترین و مستحکم‌ترین قلعه‌های ایران است که در استان کرمانشاه و در منطقه‌ی دالاهو و برفراز کوهی بلند قرار دارد.

از نکات جالب توجه در مورد کرمانشاه، وجود قلعه‌های متعدد در این بخش از کشور است که هر کدام شاهد رخدادها و اسرار مختلف تاریخی بوده است. از جمله‌ی این بناهای کهن، قلعه‌ی یزدگرد است که شهرتی جهانی را نه تنها به‌واسطه‌ی قدمت و زیبایی موقعیت قرارگیری‌اش کسب کرده است، بلکه افسانه‌های متعددی در مورد این بنای ایران باستان وجود دارد که خود از مهم‌ترین دلایل شهرت آن است.

در مورد وجه تسمیه این بنا به یزدگرد، اعتقاد مردم این سرزمین بر پناه گرفتن یزدگرد پادشاه ایران و دخترش شهربانو در این قلعه‌ی تاریخی است. از این رو این دژ مستحکم به «قلعه یزدگرد»، شهرت یافته است.

قلعه یزدگرد، یکی از مستحکم‌ترین دژهای ایران باستان است که در دالاهو و روی یکی از مرتفع‌ترین کوه‌های این منطقه‌ی کوهستانی زیبا و افسانه‌ای قرار دارد و هنگام حضور در این بنای ارزشمند، می‌توان به شکوه و عظمت آن را به وضوح حس کرد و زیبایی وصف‌ناشدنی دشت ریجاب را بر پای دژ، به تماشا نشست. ناحیه‌ای که قلعه در آن جای دارد را می‌توان یکی از جاذبه‌های طبیعی در نظر گرفت. مجموعه‌ی بناهای قلعه‌ی یزدگرد که در بر گیرنده‌ی چند بنای تاریخی است، در دره‌ای وسیع و با مساحتی نزدیک به ۴۰ کیلومتر مربع قرار دارد که از سمت شمال و شرق به صخره‌های زیبای دالاهو که به صورت پلکانی قرار گرفته است محدود می‌شود. همچنین از سمت شمال غرب نیز بواسطه‌ی پرتگاهی با شیبی بسیار تند به جلگه‌ی ذهاب متصل شده است.

در رابطه با قدمت قلعه یزدگرد کرمانشاه، نظریاتی بیان شده است. در ابتدا پس از انجام تحقیقات و کاوش‌های اولیه‌ای که بر این منطقه صورت گرفت، باستان‌شناسان قدمت این مجموعه‌ی بناها را متعلق به دوران حکومت ساسانیان اعلام کردند. ولی محققان به این کاوش‌ها بسنده نکرده و پس از تحقیقات و بررسی‌های بعدی که انجام شد، متوجه شدند که تعداد زیادی از ساختمان‌های این منطقه، متعلق به دوران حکومت اشکانیان است. از ویژگی‌های ارزنده و قابل توجه در مورد معماری مجموعه، تزئینات گچبری بسیار زیبای و شگفت‌انگیزی است که در عمارات آن انجام شده است. شاید علت این امر دوره‌ی ساخت قلعه است که به عصر حکومت اشکانیان بازمی‌گردد؛ چرا که از ویژگی‌های بارز در بناهای این دوره، استفاده از گچبری‌های فراوان است که از عوامل اصلی و مهم تزئینات ساختمان، در نظر گرفته می‌شد.

زیج منیژه

بنای تاریخی زیج منیژه را باید در داخل بافت روستای پاطاق از توابع سر پل ذهاب استان کرمانشاه دید. درست در قسمت پایین دست طاق گرا و کوه عظیم پاطاق، در نزدیک کل داود که محلی‌ها به آن گور دخمه می‌گویند. بنایی با پلان مستطیل شکل، با جهت شرقی - غربی که از لاشه سنگ و ملات گچ ساخته شده است.

تاریخ چندان روشن و دقیقی درباره این دژ وجود ندارد اما معماری بنا، به خصوص شکل درگاه‌ها و قوس‌ها و همچنین نحوه پوشش سقف فضاها نشان می‌دهد که زیج منیژه احتمالا در اواخر دوره ساسانی ساخته شده است زیج منیژه در روزگار آبادانی قلعه‌ای مربعی شکل بوده است.

در گذشته، هر ضلع قلعه ۳۰ حجره داشته است و حجره‌ها دارای طاق‌هایی گهواره‌ای شکل بوده‌اند با این حال از این حجره‌های محکم و باشکوه، امروز تنها یکی دو حجره نسبتا سالم باقی مانده است.

دروازه قلعه در ضلع غربی قرار داشته و در ضلع شرقی، هنوز هم بقایای جریان آب دیده می‌شود که انتهای آن مشخص نیست.

در هر زاویه قلعه، یک برج و در بین دو برجی که روی هر ضلع قلعه قرار داشته‌اند دو برج نسبتا کوچکتر ساخته شده است.

سفرنامه

سفر به قشم، نگین خلیج فارس (بخش نخست)

ارواح در دره ستارگان

آرزو احمدزاده، راهنمای طبیعت گردی

تا به حال چند بار نقشه ایران را دیده‌اید؟ توصیه می‌کنم این بار با دقت بیشتری نگاه کنید، خصوصا به قسمت‌های پایین نقشه و خلیج فارس. درست پایین بندر عباس و در تنگه هرمز جزیره‌ای‌ست به شکل پیکان یا همان فلش که نوک پیکان به سمت دریای عمان است، گویی راهنمای مسیر است و سمت دریاهای آزاد را نشان می‌دهد. این پیکان همان قشم است: بزرگ‌ترین جزیره ایران و خلیج‌فارس که در تنگه هرمز قرار دارد. و ما این بار سفرمان را با قطار شروع کردیم. ساعت یک بعد از ظهر همگی (یعنی ما و بیست نفر دیگر از همسفران‌مان) کوله‌ها را در کوپه هامان چیدیم و بعد از حرکت قطار کم کم دور هم جمع شدیم و شروع به گپ زدن کردیم.

تا غروب آفتاب وقت‌مان به خاطره‌گویی گذشت و بعد از تاریک شدن هوا و صرف شام هر کس به کوپه خودش رفت و ساعت هشت صبح به بندرعباس رسیدیم. هر چهار نفرمان یک تاکسی گرفتیم و به اسکله شهید حقانی رفتیم و پس از تهیه بلیت، سوار اتوبوس دریایی شدیم و بندر عباس را به مقصد قشم ترک کردیم. روی عرشه ایستادیم و به آبی نیلگون خلیج فارس خیره شدیم. جزیره در دور دست پیدا بود و ما به آن نزدیکتر و نزدیکتر می‌شدیم. بعد از تقریبا یک ساعت کشتی کوچک ما در ساحل قشم پهلو گرفت و قدم بر خاک جزیره گذاشتیم. با مینی‌بوسی که از قبل هماهنگ کرده بودیم به سمت روستای هفت رنگو رفتیم.

حسن از دوستان قدیمی‌مان است که منزلش را به گردشگران اجاره می‌دهد: خانه‌ای قدیمی و بازسازی شده با حیاطی پر شده از تخت‌های چوبی و نخلی بزرگ در وسط حیاط. خانه حسن را با همه سادگی‌اش دوست دارم. کوله‌هامان را در خانه گذاشتیم و سوار مینی‌بوس شدیم و به سمت غار خرس رفتیم. این غار که معماری صخره‌ای دارد در دل ارتفاعات روستای خرس قرار گرفته است و به عقیده برخی از محققین، نیایشگاه پیروان مهرپرستی و یا پرستشگاه آناهیتا (خدای آب) بوده است. پس از بازدید از غار به سمت روستای برکه خلف برای بازدید از دره ستارگان رفتیم. بعد از روستا ماشین را در محل پارکینگ گذاشتیم و وارد این دره زیبا شدیم. دره ستارگان در واقع یک ناحیه فرسایش یافته توسط آب‌های سطحی، رگبارهای فصلی و تندبادها است. مخروط‌های نوک تیز، ستون‌ها و ستونک‌های فرسایشی و دیواره‌های نواری از جمله بخش‌هایی هستند که در این دره می‌توان دید.

به دلیل سست بودن جنس لایه‌ها، می‌توان انتظار داشت که پس از هر بارندگی شدید که البته به ندرت اتفاق می‌افتد، تغییرات محسوسی در شکل ستون‌های موجود در دره ایجاد شود. به دلیل شکل ویژه این دره و انواع حجم‌ها و پدیده‌های فرسایش موجود در آن وزش بادهای تند و گردش هوا در لابه‌لای ستون‌ها و حفره‌های موجود در دره تولید صدا می‌کند و به دلیل این صداها اهالی معتقدند با تاریک شدن هوا این دره محل رفت و آمد ارواح و اجنه است و از این رو از ورود به آن در شب خودداری می‌کنند. و داستان اینکه چرا این دره به دره ستارگان مشهور شده است نیز جالب است: اهالی جزیره بر این باورند که روزگاری ستاره‌ای از آسمان به قلب جزیره افتاده و در برخورد با زمین جزیره، این شکل‌ها را پدید آورده است. این مکان در زبان محلی به "استاره افته" و گاه "ستاره افتیده" معروف است و داستان‌های تخیلی فراوانی از آن در بین مردم رواج دارد. پس از گشت و گذار و عکاسی، از دره ستارگان خارج می‌شویم و قصه قشم ادامه دارد...